پژوهش‌نامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
صص ۲۶۷ـ۲۸۹ (مقاله پژوهشی)

No. 25, Autumn & Winter 2019/2020

براعت استهلال در خطبه‌های امام حسن مجتبی (ع)

ریحانه ملازاده[۱]، نفیسه فیاض‌بخش[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۰/۲۵ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۱/۲۱)

چکیده

این پژوهش درنگی بر بافت افتتاحیه‌های خطبه‌های موجود و قابل دسترس امام حسن(ع) است، تا ضمن تحلیل عناصر گفتار، چگونگی تأثیر متکلم از طریق کاربرد اسلوب براعت استهلال بر مخاطب روشن شود. بدین منظور این جستار ابتدا به تعریف آرایه براعت استهلال و مفهوم آن در ادبیات پرداخته و سپس با تحلیل سبک و ساختار آغازین خطب موجود، تلاش نموده تا به توصیف آرایه براعت استهلال بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد خطبه‌ها علیرغم کوتاهی و بلندی که متناسب با شرایط مخاطب ایراد شده است برخوردار از اسلوب‌های متنوع تأکید، ندا، شرط می‌باشد. این تنوع در کلام به منظور تحریک احساسات و بیدارسازی فطرت خفته مردم انجام گرفته است.

کلید واژه‌ها: *براعت استهلال، بلاغت، حسن بن علی(ع)، سبک و ساختار خطبه*

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه الزهراء(س)، (نویسنده مسؤول)؛ r.mollazadeh@alzahra.ac.ir
۲. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران، nafisefayazbakhsh@yahoo.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

۱ـ بیان مسأله

خطبه و فن سخنوری از دیرباز مورد توجه و اهتمام عرب بود. این فن که در دوره جاهلی برای مفاخره و منافره به کار می‌رفت در دوره اسلامی و پس از آن، تغییراتی متناسب با عصرجدید به خود گرفت. با ظهور اسلام در بیشتر موارد خطب با حمد و ثنای الهی شروع می‌شد و خطیب پس از (أما بعد) به موضوع اصلی پرداخت و سپس با عبارتی که حسن ختام نام دارد کلامش پایان می‌پذیرفت. استهلال در خطب عربی غالبا با اقتباس از قرآن کریم، سنت نبوی و شعر و نثر عربی همراه بوده است. خطبه بر ایجاز، وضوح، فصاحت، انسجام، آرایه‌های ادبی در حد اعتدال و به دور از تکلف و تصنع بنا می‌شود.

در جستار حاضر سبک و ساختار آغازین خطب امام حسن مجتبی(ع) با تکیه بر اسلوب براعت استهلال مورد واکاوی قرار گرفته است. لازم به ذکر است خطبه‌های امام حسن(ع) به شکل پراکنده در کتب مختلف تاریخی نقل شده، که می‌توان آن را یکی از دشواری‌های این تحقیق برشمرد. در منابع عربی کتابی با عنوان «الروائع المختارة فی خطب الإمام‌الحسن(ع)» به دست آمد که با تکیه بر منابع اهل تسنن و تشیع گردآوری شده، و در فارسی نیز ترجمه کتاب «موسوعة کلمات الإمام الحسن(ع)» توسط پژوهشکده باقرالعلوم(ع) با سبک و سیاق کتاب مذکور منتشر شده است. لذا نویسندگان ابتدا به استخراج خطب از کتب معتبر پرداخته‌اند و پس از ذکر سند یا منبع هر خطبه، براعت استهلال آن را بیان کرده‌اند. در این راستا تعداد ۳۳ خطبه از خطبه‌های امام حسن(ع) از کتب مختلف بدست آمد. از این میان، ۸ خطبه، با حمد و ثنای خداوند متعال شروع شده و با عبارت «أما بعد» به اصل موضوع پرداخته شده است. خطبه‌هایی که تنها با عبارت «اما بعد» شروع شده‌اند و فاقد بخش اول، یعنی بدون حمد و ثنای الهی‌اند، حدود ۱۰ خطبه است.

پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی در پی یافتن پاسخ به این سؤال است که امام حسن مجتبی(ع) خطبه‌های خود را با چه سبکی آغاز فرموده، و براعت استهلال در خطبه‌ها چه تأثیری بر مخاطب داشته است؟

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

۲ـ مقدمه

پس از امیرمؤمنان(ع)، امام حسن مجتبی(ع) دومین شخصیتی است که در کتب تاریخی بیشترین خطابه از ایشان به ثبت رسیده است. خطابه‌هایی که با اندک تأملی در محتوا و صورت ادبی آن به وضوح می‌توان به شرایط سخت و حساس دوران آن امام همام پی برد.

از دیدگاه عالمان منطق نیز خطابه یکی از صناعات خمس است که در برابر جمع و به قصد برانگیختگی احساسات و عقول مردم ایراد می‌شود. (خوانساری، ۲۳۳) بنابراین می‌توان گفت خطابه فنی ادبی است که بر پایه عقیده بنا شده و با هدف تأثیر بر مخاطب، به بررسی فکری و عاطفی موضوع می‌پردازد. علاوه بر عنصر عاطفه که جزء جدایی ناپذیر خطبه است، دیگر ابزار هنری از قبیل آهنگ و تصویر نیز در ترسیم این وضعیت عاطفی نقش خواهند داشت. (بستانی، ۲۴۵ـ۲۴۶) عنصر عاطفه نیز در خطبه به اقتضای موقعیت روانی مخاطب، دچار فراز و نشیب شده گاهی فروکش می‌کند. (همانجا، ۲۵۲) از آنجا که کلام بلیغ متناسب با حال مخاطب، کوتاه، متوسط و بلند ادا می‌شود (عبدالغنی، ۲۱) طول خطبه‌های امام حسن(ع) نیز متناسب با حال مخاطب و شرایط زمانی مختلف است. در منطق نیز خطابه از اهمیت خاصی برخوردار است. خواجه نصیرالدین طوسی در این خصوص می‌گوید: «هیچ صناعتی از صناعات خمس در افاده تصدیق اقناعی به درجه خطابه نمی‌رسد، زیرا عقول عامه از ادراک قیاساتِ برهانی قاصر است، بلکه از جدل هم. چون جدل هم در تعلق به کلیات جاری مجرای برهان است. پس صناعتی که متکفل افادتِ اقناع بود در اذهان جمهور، جز خطابت نبود.» (نصیرالدین طوسی، ۵۳۱)

۳ـ براعت استهلال یا خوش آغازی

در فارسی حسن مطلع (البدیع، ۳۲)، حسن ابتدا یا خوش مطلع نام دارد. حسن مطلع آن است که آغاز قصیده، غزل، مقدمه، پیش درآمد مقاله، خطابه و سخنرانی را چندان شیوا، مطلوب و دلپسند بیاورند که شنونده را برای شنیدن باقی سخن نظم یا نثر تشویق کند و در طبع و حال او رغبت و نشاط گوش سپردن به گفتار گوینده را برافزاید. (همایی، ۲۰۰)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

براعت استهلال که از قدیم مورد توجه شاعران و ادیبان عرب قرار داشته، بـرای جلـب توجه مخاطب و تشویق وی به دنبال کردن شعر یا خطبه بکـار مـی‌رفتـه اسـت. در شـعر جاهلی، سنت کهن وقوف بر اطلال، نوعی براعت استهلال بحساب می‌آید. در بلاغت قـدیم عربی، براعت استهلال جزو آرایه‌های بدیعی است که بـا اصـطلاح حسـن ابتـدا از آن یـاد می‌شده، و تعریفی مشابه با ادبیات فارسی دارد، بدین معنا که در مطلع قصیده یا اول کلام با آرایه‌ای زیبا، نکته ای نغز یا بدیع، به موضوع قصـیده یـا خطبـه بطـور غیرمسـتقیم اشـاره می‌شده تا انگیزه گوش سپاری به گوینده مضاعف شود. ایـن صـنعت براعـت اسـتهلال یـا حسن ابتدا نام دارد. (طبانهٔ، ۸۵ و ۱۹۷)

۳ـ۱. اهمیت صنعت براعت استهلال

در براعت استهلال متکلم برای جلب توجه مخاطب، با بکـارگیری شـگردهای متعـدد ادبی نظیر استفاده از سبک توصیفی و فنون مختلف لفظی و معنوی در ابتدای متن، مخاطب را در جریان اطلاعاتی مرتبط با موضوع و نه از خود موضوع قرار می‌دهد. یعنـی بـا یـک شروع خوب و جذاب، مخاطب با گوینده همراه شده و به شنیدن متن تشویق می‌شود.

شروع دلنشین، پرمعنا، راهگشا، بدون تکلف، اثرگـذار، مـرتبط بـا هـدف نویسـنده یـا گوینده، نشان از تفکر و اندیشه پویای صاحب سخن دارد.

ابوهلال عسکری، صنعت حسن ابتدا را یکی از دلائل وضوح کلام دانسـته و کاتبـان را به رعایت آن سفارش کرده است: «أحسنوا معاشـر الکتـاب الابتـداءات فإنهـا مـن دلائـل البیان». (همو، ۴۸۹)

عناصر ثابت استهلال عبارتند از: تحمید یا همان حمـد الهـی، ثنـا و سـتایش خداونـد، شهادت به وحدانیت او، شهادت به رسالت پیامبر(ص). (الخرافی، ۷)

٤ـ ویژگی‌های ادبی خطبه‌های امام حسن(ع)

حمد و ثنای الهی در خطب امام حسن مجتبـی(ع)، تأسـی بـه سـیره امیرمؤمنـان(ع) و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

رسول خدا(ص) در مطلع کلام است که با هدف تبلیغ آموزه‌های دینی صورت می‌گرفته است. عبارت «اما بعد» نیز به بخش زبانی بر می‌گردد. گویا خطیب با این عبارت، ایجاد مکث میان حمد و موضوع اصلی انداخته تا بدین وسیله مخاطب فرصت یافته و ذهنش برای شنیدن و اندیشه در موضوع اصلی آماده گردد. این شیوه از دوره جاهلیت تا عصر اموی معمول بوده، هر چند که در این عصر سبّ حضرت علی(ع) نیز به فرمان معاویه به عنوان عنصر اصلی در مطلع کلام در منابر عمومی اضافه گردید. تنها خطبه‌هایی که موضوع آنها مربوط به مواضع مهم امت عربی بوده، مستقیما با عبارت «اما بعد» و بدون حمد الهی شروع شده و به اصل موضوع پرداخته است. به عنوان مثال خطبه دوم بدون بخش اول شروع شده و از دو سطر فراتر نیست، بلندی یا کوتاهی خطب دلایل متعددی دارد که از جمله می‌توان به بحران سیاسی اجتماعی و دینی آن دوره اشاره کرد. و یا در خطبه‌ای که ایشان به مناسبت شهادت پدر ایراد فرموده حزن عمیق و گریه شدید ناشی از قدر ناشناسی امت و جفا در حق ایشان، بر امام(ع) عارض شد و لذا سخن بیش از این ادامه نیافت. اکنون به بررسی ادبی افتتاحیات خطب می‌پردازیم.

٤ـ١. افتتاح به حمد و ثنای الهی

یکی از طولانی‌ترین خطبه‌های امام حسن(ع) خطبه‌ای است که قبل از صلح با معاویه ایراد فرمود. این خطبه به نقل از امام سجاد(ع) چنین روایت شده است: هنگامی که امام تصمیم به صلح گرفت با معاویه دیدار کرد. معاویه بالای منبر رفت و دستور داد امام یک پله پایین‌تر بایستد. آنگاه معاویه گفت: ای مردم، این حسن پسر علی و فاطمه است. ما را شایسته خلافت دانسته و خود را سزاوار آن نمی‌داند و آمده است تا با اختیار صلح کند. آنگاه گفت: ای حسن بایست. و امام برخاست و خطبه را با حمد و ثنای الهی شروع کرد:

الحمدلله المستحمد بالآلاء، وتتابع النعماء، وصارف الشدائد والبلاء، عند الفهماء وغیر الفهماء، المذعنین من عباده لامتناعه بجلاله وکبریائه، وعلوه عن لحوق الأوهام ببقائه،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

المرتفع عن کنه ظنانهٔ المخلوقین، من أن تحیط بمکنون غیبه رویات عقول الـرائین، وأشـهد أن لا إله إلا الله وحده فی ربوبیته، و وجوده و وحدانیته، صمدا لا شریک له، فـردا لا ظهیـر له، و أشهد أن محمدا عبده و رسوله، اصطفاه و انتجبه و ارتضاه، و بعثه داعیا إلـی الحـق، و سراجا منیرا، و للعباد مما یخافون نذیرا، و لما یأملون بشیرا، فنصح للأمة، و صدع بالرسالـة، و أبان لهم درجات العمالة، شهادة علیها أموت و أحشر، و بها فـی الآجلـة أقـرب و أحبـر. (مجلسی، ۱۳۹/۱۰)

ترجمه ـ سپاس خدای را سزاست که به سبب نعمت‌ها و پیاپی بـودن آن‌هـا و برطـرف ساختن شدائد و بلاها نزد دانایان و غیر آن‌ها شایسته حمد و ستایش است، بندگانی که بـه وجودش اعتراف دارند، به سبب آن‌که به خاطر جلالت و بزرگیش از توهم به دور مانده، و از آن که اوهام به او راه یابد، برتر می‌باشد و از آن که در افکار مخلوقـاتش قـرار گیـرد و عقول اندیشمندان او را احاطه نماید اوج گرفته است. و گواهی می‌دهم که معبـودی جـز او نمی‌باشد، در پروردگاری و وجود و یگانگی‌اش یکتاست، بی‌نیـاز بـوده و شـریکی نـدارد، یکتایی است که پشتیبان ندارد. و گواهی می‌دهم کـه محمـد بنـده و رسـول اوسـت، او را برگزید و انتخاب کرد، از او خشنود شد و او را برانگیخت تا به سوی حـق دعـوت کنـد و چراغی فروزان است و از آن چه بندگان می‌ترسند بیم دهنده و به آن‌چه بـدان امیـد دارنـد بشارت دهنده است، پس برای امت پند داد و رسالتش را به انجام رسانید، و درجات عمـل را به ایشان نمایاند، شهادتی که بر آن عقیده مرده و محشور شـوم و بـا آن در روز قیامـت نزدیک شده و مسرور گردم.

همانطور که ملاحظه می‌شـود در ابتـدای خطبـه برخـورد معاویـه بـا امـام حسـن(ع) برخوردی توهین‌آمیز است، آنجا که از امام می‌خواهد یک پله پایینتر بایسـتد، و خصوصـا وقتی می‌گوید: «هذا الحسن بن علی و ابن فاطمهٔ، رآنا للخلافهٔ أهلاً و لَم یر نفسه لها أهلاً و قد أتانا لیبایع طوعاً»، معاویه تلاش می‌کند چهره خوبی از خود نشان دهد: اما با خطبه امام نقشه‌اش نافرجام می‌ماند. این خطبه به چهار فـراز تقسـیم مـی‌شـود: سـتایش پروردگـار،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

رسالت پیامبر(ص) و ذکر فضایلش، ذکر فضایل اهل بیت(ع) و به ویژه حضرت علی(ع) و منزلت او نزد پیامبر(ص)، تصریح به شایستگی خود و برادرشان امام حسین(ع) و بیان پذیرش اجباری صلح با معاویه. بنابر این ابتدای خطبه حضرت، به ستایش خداوند اختصاص یافته، زیرا تنها او سزاوار ثنا است. در ادامه با ذکر شایستگی‌های حضرت علی(ع) فضای مخربی را که معاویه از امام علی(ع) ایجاد کرده، شکسته می‌شود. حسن ختام نیز ذکر شایسته ترینها برای خلافت است. همانطور که ملاحظه می‌شود ابتدا و انتهای خطبه تناسب و انسجامی تام دارند. (نکونام، ۷۸)

حمد و سپاس طولانی و بدیع، بر مهارت بالای امام در فن سخنوری صحه می‌گذارد. امام(ع) در این تحمیدیه، عالیترین مضامین توحیدی را بیان نموده است. در این بخش حرف الف ۲۵ مرتبه تکرار شده است که نسبت به سایر حروف از بسامد بالایی برخوردار است. «از جمله خصوصیات حرف «الف» این است که دارای کشش زمانی یا مکانی است.» (حسن عباس، ۹۷) شاید کاربرد زیاد این حرف در خطبه نشان دهنده این باشد که صفات الهی که در این بخش قرار دارد، در طول زمان استمرار دارد و همیشگی است. (نکونام، ۸۶) براعت زبانی عالی، استدلالهای عقلانی و منطقی الهام گرفته شده از قرآن و سنت، کثرت تصاویر ادبی همه نشان از تسلط اندیشگانی و عاطفه قوی و صادق امام دارد. شروع خطبه با حمد الهی در حقیقت به موضوع اصلی خطبه که بیان شایستگی اهل بیت(ع) در به دست گرفتن خلافت است اشاره می‌کند. حضرت از حمد خداوند متعال شروع کرده و رسالت پیامبر از سوی خدا را یادآور می‌شوند. پیامبری که از میان مردم انتخاب شده و بر همه عالمیان برتری دارد و به واسطه او جبهه حق از باطل جدا می‌شود. سپس در انتهای خطبه، با اشاره به مقام بی همتای اهل بیت(ع) می‌فرماید: انا أهل بیت أکرمنا الله بالاسلام و اختارنا و اصطفانا و اجتبانا، فاذهب عنا الرجس و طهرنا تطهیرا.

و می‌گویم: ای بندگان خدا بشنوید، و شما قلب‌ها و گوش‌هایی دارید پس بیندیشید، ما خاندانی هستیم که خداوند ما را به اسلام، گرامی داشت و ما را برگزید و انتخاب کرد، و از ما پلیدی را برطرف کرد و پاک و پاکیزه نمود... .

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

ما را پاک گرداند، در حالی که از حضرت آدم تا ما مخلصانه برای او بوده‌ایم، در حالی که آن نعمتی از جانب اوست، در هر دو گروهی که در میان مردم وجود پیدا می‌کند، خداوند ما را در بهترین آن‌ها قرار داده است.

انواع سجع در افتتاحیه خطبه، باعث ایجاد موسیقی و جلب توجه مخاطب و تشویق جهت ادامه گوش دادن شده است. به عنوان مثال بین (المستحمد بالآلاء، وتتابع النعماء، و صارف الشدائد و البلاء) سجع مطرّف وجود دارد. در این سجع، قافیه‌ها یکی است اما فاصله‌ها در وزن اختلاف دارند (هاشمی، ۴۲۲) طباق نیز بین (الفهماء و غیر الفهماء)، و اشباع ضمیر(هاء) در (عباده، امتناعه، جلاله، کبریائه، بقائه) در ایجاد آهنگ، نقش وافری دارد. معاویه در پایان می‌گوید: به خدا قسم حسن با این خطبه خود، زمین را بر من تیره و تار کرد. در آنجا خواستم که برخورد کنم اما دانستم که ساکت ماندن بیشتر مرا در امان نگاه می‌دارد». (بحرانی، ۸۳۲/۲)

لازم به ذکر است در پایان خطبه معاویه بلافاصله مجلس را ترک نمود که این امر بر عجز او و فصاحت بالای سخن از طرف دیگر دلالت دارد.

٤ـ۲. افتتاح به تأکید

برخی از خطبه‌ها با تاکید شروع شده که خود انواعی دارد از جمله:

٤ـ۲ـ۱. لام و قد تحقیقیه

مخنف (به سندش) از ابی اسحق سبیعی و دیگران روایت کرده که گفتند: امام‌حسن(ع) در بامداد آن شبی که امیرالمؤمنین(ع) در آن شب از دنیا رفت خطبه خواند، و حمد و ثنای خدای را به جای آورد و بر رسول خدا(ص) درود فرستاد، آنگاه فرمود:

لقد قبض فی هذه اللیلة رجل لم یسبقه الأولون و لا یدرکه الآخرون و قد کان رسول الله(ص) یعطیه رایته و یقاتل جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن شماله فما یرجع حتی یفتح

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

الله علیه و ما ترک علی ظهر الأرض صفراء و لا بیضاء إلا سبعمائة درهم فضلت من عطائه أراد أن یبتاع بها خادما لأهله. (شیخ مفید، ۴/۲)

ترجمه ـ به حقیقت در این شب مردی از دنیا رفت که پیشینیان در کردار از او پیشی نجستند، و آیندگان نیز در کردار به او نرسند، همانا با رسول‌خدا(ص) جهاد کرد و با جان خویش از آن حضرت دفاع نمود، و رسول خدا(ص) او را با پرچم خود (به جنگها) فرستاد و (جبرئیل و میکائیل) او را در میان می‌گرفتند، جبرئیل از سمت راستش، و میکائیل از سمت چپ او، و بازنمی‌گشت تا به دست توانای او خداوند(جنگ را) فتح کند و ... .

امام‌حسن(ع)، سخن خود را با تحمیدیهٔ باری تعالی شروع کرده و به رحلت پدر بزرگوارشان از زاویهٔ الهی می‌نگرند؛ نگاه امامی به امام دیگر. کسی که در گذشته مانند نداشته و در آینده نیز نخواهد داشت. کسی که پرچمدار فرستاده خدا بوده و به هنگام نبرد فرشتگان مقرّب الهی او را همراهی می‌کرده‌اند.

امام با چنین وصف ربانی مردم را غرق در بهت و ندامت ساخت. زیرا این سخن در دوره‌ای گفته شد که قبلا معاویه در تمام منابر به سب و لعن امیرالمؤمنین علی(ع) فرمان داده بود. سپس مقدس بودن شب رحلت را در فراز دیگر یادآور می‌شود:

و لقد توفی(ع) فی اللیلة التی عرج فیها بعیسی بن مریم، و فیها قبض یوشع بن نون وصی موسی(ع) و ما خلف صفراء و لا بیضاء الا سبعماة درهم، فضلت عن عطائه اراد ان یبتاع بها خادما لاهله. ثم خنقته العبرة فبکی و بکی الناس معه.

ترجمه ـ و در همان شبی از دنیا رفت که عیسی بن مریم در آن شب به آسمان بالا رفت، و یوشع بن نون وصی حضرت موسی(ع) در آن شب از دنیا رفت، در حالی که هیچ درهم و دیناری از خود به جای نگذاشته جز هفتصد درهم که آن هم از بهره‌اش (که بیت‌المال داشت) زیاد آمده، و می‌خواست با آن پول برای خانواده خود خادمی خریداری کند. سپس بغض گلویش را گرفت و گریست، مردم نیز با آن حضرت گریه سر دادند. (همانجا)

خطبه با حرف «لام و قد تحقیقیه» و فعل ماضی شروع شده است. لام ابتدا و حرف قد

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

قبل از فعل ماضی دلالت بر تأکید دارد. (عبدالغنی، ۴۰۴ـ۴۰۵) و در جملات بعدی لام و حرف قد تکرار می‌شود. آغاز خطبه با جمله فعلیه است. به اعتقاد برخی علمای بلاغت، جمله اسمیه دلالت بر ثبوت و جمله فعلیه دلالت بر حدوث یا تجدد دارد. اما به نظر می‌رسد که ذات اسم بر ثبوت و استقرار، و فعل بر حدوث و تجدد دلالت دارد. (السامرائی: ۱۶۱) این تأکید بر اهمیت شب رحلت حضرت علی(ع) دلالت دارد که مصادف با پیوستن روح پیامبرانی دیگر به خدا در زمانهای قدیم است. عنصر عاطفه در عدم استمرار کلام به سبب بغض و اندوه امام خود را نشان می‌دهد.

٤ـ۲ـ۲. إنّ و أنّ

امام‌حسن‌مجتبی(ع) در محضر پدر و به امر ایشان خطبه‌ای ایراد کردند که در آن پس از حمد و ثنای الهی چنین فرمود:

أَمَّا بَعْدُ: فَإِنَّ الْقُبُورَ مَحَلُّنَا، وَ الْقِيَامَ مَوْعِدُنَا، وَ اللَّهَ عَارِضُنَا. إِنَّ عَلِيّاً بَابُ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِناً مُؤْمِناً، وَ مَنْ خَرَجَ عَنْهُ كَانَ كَافِراً. فَقَامَ إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فَالْتَزَمَهُ، وَ قَالَ: "بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي (ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ). (الحلوانی، ۷۳)

ترجمه ـ اما بعد، همانا قبور محل نزول ماست، و روز قیامت وعده‌گاه ماست، و خداوند دادخواه ماست، علی دری است که هر که بدان درآید درامان و با ایمان ماند و هر که از آن خارج گردد کافر شود.

در این خطبه پس از عبارت «أما بعد»، بلافاصله اسلوب تأکید به حرف «إنّ» به کار رفته است. این حرف جزو حروف معانی است با این توضیح که به هنگام کاربرد در جمله معنایشان ظاهر می‌گردد (عکاشه، ۱۰۵).

حروف معانی در زبان عربی ۳۱ نوع است که از میان آنها «إنَّ» نمود بیشتری در خطبه‌های نهج‌البلاغه دارد. این حرف، معانی مختلفی نظیر تأکید، ربط و تعلیل دارد. (السامرایی، ۲۶۴/۱)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

جرجانی معتقد است اصل در إنّ تأکید است و متکلم زمانی آن را در کلام بکار می‌برد که احساس کند شنونده چیزی برخلاف سخن او گمان کرده و در نتیجه برای اثبات کلام خود از آن استفاده می‌کند (جرجانی، ۳۲۸). گفته شده که إنّ تأکید بیشتری از لام دارد و لفظ آن و ثقیل بودنش گواه بر این نکته است. (جیگاره، ۱۴۱) همچنین از جمله فواید تأکید با إنّ را عدم تکرار جمله و جلوگیری از غفلت مخاطب ذکر کرده‌اند. (السامرایی، ۲۶۴/۱).

سپس امام به معاد و رستاخیز اشاره کرده و شرط سلامت گذر کردن از منزل آخرت را اطاعت از حضرت علی(ع) بیان می‌کند. تقابل در آخرین جملات (دخل/ مؤمنا و خرج/ کافرا) مرز رستگاری و انحطاط را که در پذیرش ولایت حضرت علی(ع) خلاصه شده، برجسته می‌سازد. خطبه با اقتباس از آیه ۳۴ سورهٔ آل عمران خاتمه می‌یابد.

در خطبه‌ای دیگر به نقل از شعبیّ چنین روایت شده است: روزی معاویه وارد مدینه شده و به قصد ایراد خطبه برخاسته و بر علیّ بن ابی طالب تاخت. در این لحظه امام به قصد سخنرانی قیام نمود و پس از حمد و ثنای الهی فرمود:

إِنَّهُ لَمْ يُبْعَثْ نَبِيٌّ إِلاَّ جُعِلَ لَهُ وَصِيٌّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ـ وَ لَمْ يَكُنْ نَبِيٌّ إِلاَّ وَ لَهُ عَدُوٌّ مِنَ اَلْمُجْرِمِينَ وَ إِنَّ عَلِيّاً عَلَيْهِ‌السَّلاَمُ كَانَ وَصِيَّ رَسُولِ اَللَّهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَا اِبْنُ عَلِيٍّ وَ أَنْتَ اِبْنُ صَخْرٍ وَ جَدُّكَ حَرْبٌ وَ جَدِّي رَسُولُ اَللَّهِ وَ أُمُّكَ هِنْدٌ وَ أُمِّي فَاطِمَةُ وَ جَدَّتِي خَدِيجَةُ وَ جَدَّتُكَ نَثِيلَةُ فَلَعَنَ اَللَّهُ أَلْأَمَنَا حَسَباً وَ أَقْدَمَنَا كُفْراً وَ أَخْمَلَنَا ذِكْراً وَ أَشَدَّنَا نِفَاقاً فَقَالَ عَامَّةُ أَهْلِ اَلْمَجْلِسِ آمِينَ فَنَزَلَ مُعَاوِيَةُ فَقَطَعَ خُطْبَتَهُ. (الطبرسی، ۲۸۲/۱)

ترجمه ـ هیچ پیامبری مبعوث نشده جز آنکه وصیّ و جانشینی از أهل او مقرّر گردیده، و هیچ پیامبری نیست جز اینکه او را دشمنی از میان مجرمان است، و بی‌شکّ علیّ بن ابی طالب وصیّ رسول خدا(ص) پس از اوست، و من پسر علیّ، و تو (ای معاویه) فرزند صخری، و جدّ تو حرب است، و جدّ من رسول خدا است، و مادر تو هند و مادر من فاطمه است، و مادربزرگ من خدیجه است و مادر بزرگ تو نثیله، پس خداوند بدترین ما را از نظر حسب؛ و قدیمترین‌مان را از نظر کفر، و بد سابقه‌ترین‌مان و منافقترین‌مان را لعن کند!

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

پس تمامی حضّار یکپارچه گفتند: آمین!. پس معاویه با دیدن این صحنه خطبه‌اش را قطع کرده و از منبر پائین آمد.

هنگامی که معاویه، حضرت علی(ع) را لعن نمود، امام حسن(ع) برآشفت اما سخنی جز به ادب و نزاکت بر زبان نراند. از آنجا که مخاطبین افرادی گمراه بودند امام سخن خود را با اسلوب خبر انکاری آغاز نمود. در این اسلوب چندین تأکید ملاحظه می‌شود که نشان دهنده انکار خبر از سوی شنوندگان است. این اسلوبها عبارتند از: جمله اسمیه، کاربرد حرف إنّ که برای تأکید خبر بکار رفته (وصی رسول، همان امام همام علی بن أبی طالب است که معاویه در منابر امر به سبّ او کرده) و تکرار آن، حصر به الّا و تکرار آن، و تقدیم جار و مجرور در (له عدو). سپس امام از آرایه تقابل استفاده می‌کند. امام به جهت نَسَبی، اجتماعی، ایمانی، بین خود و معاویه مقایسه نمود. در جملات بعدی اسلوب خبری ابتدایی، بکار رفته، اسلوبی که خالی از تأکید است. زیرا حقایقی مطرح شده که هرگز احدی در صحت آن شک نمی‌کند (أنا ابن علی...) در نتیجه این مقایسه، برگشت لعن به کسی شد که سزاوارترین شخص برای لعن و نفرین است، بدون اینکه امام(ع) حتی یک کلمه درشتی نماید. از نظر نسبی جد امام حسن(ع) به پیامبر(ص) می‌رسد، مادرش حضرت زهرا(س) دختر رسول خدا(ص) است و جد مادریش حضرت خدیجه(س)، نخستین بانویی است که اسلام آورد. در حالی که جد پدری معاویه، بر شرک مرد و مادرش، هند همسر ابوسفیان بود که مانند مادر شوهرش در دوره پیش از اسلام جزو زنان اهل پرچم (فاجره) بشمار میرفت. (هشام بن کلبی، ۷۳) وکانت هند من المغتلمات و کان أحب الرجال إلیها السودان فکانت إذا ولدت أسود قتلته) و بعد از فتح مکه مسلمان شد.

این مقایسه نه از روی تفاخر بلکه برای تکذیب ادعای معاویه و با ادله متقن و به قصد پرده برداشتن از تصویر دروغینی که معاویه ساخته بود انجام پذیرفت.

ـ امام در بخش اول از طریق صنعت تقابل حقیقتی را اظهار کردند که معاویه با بدگویی از امام‌علی(ع) سعی در تحریف آن داشت اینکه هیچ پیامبری مبعوث نشده جز آنکه وصیّ

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

و جانشینی از أهل او مقرّر گردیده است. این وصی و جانشین از نظر صلاحیت، حسن خلق، تقوا و مواظبت بر پرهیزگاری به سیره پیامبر عمل می‌کند، و هیچ پیامبری نیست جز اینکه او را دشمنی از میان مجرمان است، و علیّ بن ابی طالب را به عنوان وصیّ رسول خدا(ص) پس از پیامبر معرفی می‌کند، زیرا با این ویژگیها دشمنانش پیش از دوستانش آشنایند. احادیثی که در صحت و تواتر به وصایت خویش تصریح کرده‌اند. مانند حدیثی که پیامبر(ص) در غزوه تبوک فرمود: ولاسیما حدیث المنزلة حین قال فی غزوة تبوک: «انت منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی» (حسینی المیلانی، ۳۶۳/۱۸ـــ۴۱۱) و در غدیرخم، و در مقابل برای هر پیامبری دشمنی از مجرمان است در این عبارت امام حسن(ع) آمده: «وإنّ علیّاً علیه السلام کان وصیَّ رسول الله صلی الله علیه وآله من بعدِهِ» تا بدگویی از پدرش را با یادآوری حدیث منزلت و غدیرخم خنثی سازد. و به طرف دیگر ـ معاویه ـ که از وصی بدگویی می‌کند و دشمن پیامبر(ص) است اشاره نماید. واضح است که اثرگذاری تلمیح از تصریح بیشتر بوده و شیوه سبط پیامبر(ص) حتی در مورد دشمن ـ برخلاف معاویه که بسیار لعن‌کننده بود ـ ناسزا و نفرین یا ذکر صریح خصومت نیست و مؤمن از این خصلت مبرّاست. لذا از پاک طینت جز خیر و از بد سرشت جز شر انتظار نمی‌رود. در خطبه ۲۰۶ نهج‌البلاغه چنین آمده است: «کَرِهتُ لَکُم أن تَکُونُوا لَعّانِینَ شَتّامِینَ» (دشتی، ۱۸۱/۳).

از آنجا که صنعت مقابله، یکی از سبکهای محکم برای استدلال و اقناع مخاطب به شمار می‌رود امام صفات متضاد دو طرف را برای مردم اظهار نمود تا مردم با موازنه، به آسانی تصویر درستی از دو طرف ترسیم نمایند. امام در معرفی خود و معاویه تنها به ذکر اسم و نه چیز بیشتر، اکتفا نمود: «أنا ابن علی، و أنت ابن صخر» قضاوت را به اذهان مردم سپرد تا تنها شنونده نباشند و با یادآوری رویدادهای گذشته، خیر و شر را تشخیص دهند. و با عبارتهای: «فَلَعَنَ اَللَّهُ اَلْأَمَنَا حَسَباً وَ أَقْدَمَنَا کُفْراً وَ أَخْمَلَنَا ذِکْراً وَ أَشَدَّنَا نِفَاقاً»، این کاربرد هوشمندانه آرایه تقابل باعث شد امام بدون اینکه شخص سزاوار لعن را تعیین

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

فرماید، مستمعینی را که غالباً از طرفداران معاویه بودند به آمین گفتن واداشتند، و معاویه که روند ادامه خطبه را به صلاح نمی‌دید با پایین آمدن از منبر خطبه را رها کرد.

در خطبه‌ای دیگر که برای تشویق مردم به جهاد ایراد فرمود باز هم حضرت مطلع آن را با حرف تأکید «إنّ» چنین شروع کردند:

أما بعد: فإن الله کتب الجهاد علی خلقه، وسماه کرهًا. ثم قال لأهل الجهاد من المؤمنین: «وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» فلستم أیها الناس نائلین ما تحبون إلا بالصبر علی ما تکرهون. بلغنی أن معاویة بلغه أنا کنّا أزمعنا علی المسیر إلیه، فتحرک لذلک، اخرجوا رحمکم الله إلی معسکرکم بالنُّخَیْلَة، حتی ننظر و تنظروا، ونری وتَرَوْا ـ «وإنه فی کلامه لیتخوف خذلان الناس له». (اصفهانی، ۳۵)

ترجمه ـ سپس سکوت حکم فرما شد و پس از مدتی عدی بن حاتم در تأیید کلام امام، خطبه‌ای دیگر خواند.

این خطبه نیز با عبارت (اما بعد) شروع شده و استهلال آن با بینامتنیت قرآنی آیه ۲۱۶ سوره بقره انجام می‌پذیرد: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ»، سپس با اقتباس از آیه ۴۶ سوره انفال ادامه می‌یابد: «وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ». از آنجا که هیچ استدلالی محکم‌تر از استدلال به آیات قرآنی نیست لذا امام در ابتدای سخنان خود به کلام وحی تکیه کرده‌اند که قوی‌ترین استهلال است. سپس با مردم به اسلوب ندای عام «أیّها الناس» سخن می‌گوید: ای مردم به آنچه دوست دارید نمی‌رسید مگر اینکه بر آنچه دوست ندارید صبر کنید. طباق در (تحبون/ تکرهون)، معنا را متمایز کرده و با اسلوب حصر آن را مورد تأکید قرار داده است. در فرازهای بعدی استفاده از آرایه تکرار از طریق مشتقات در کلمات (ننظر و تنظروا، و نری و تَرَوْا) ایجاد آهنگ کرده است. به این ترتیب بینامتنیت، اقتباس و آهنگ در مطلع خطبه، باعث جلب توجه مخاطب و ایجاد انگیزه برای شنیدن ادامه کلام شده و براعت استهلال محقق شده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

٤ـ۳. افتتاح به ندا

امام‌حسن(ع) در خطبه‌ای که پس از شهادت پدر ایراد فرمودند با منادا قرار دادن مـردم به معرفی خود می‌پرداخت:

أیها الناس من عرفنی فقد عرفنی و من لم یعرفنی فأنا الحسن بن علی و أنا ابن الوصـی و أنا ابن البشیر و أنا ابن النذیر و أنا ابن الداعی إلی الله بإذنه و أنا ابن السراج المنیـر و مـن أهل البیت الذی کان جبرئیل ینزل فیه و یصعد من عندنا و أنا من أهل البیت الـذین أذهـب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا و أنا من أهل البیت الذین افترض الله مـودتهم علـی کـل مسلم فقال لنبیه «**قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا**» (الشوری، ۲۳) فاقتراف الحسنة محبتنا أهل البیت. (صفوت، ۱/۲)

اسلوب ندا یکی از شیوه‌های مؤثر استهلال است که متکلم آن را برمی‌گزیند و از طریق آن با مخاطب ارتباط برقرار کرده و توجه او را در کمترین زمـان ممکـن بـه خـود جلـب می‌کند. این اسلوب أبعاد روحی روانی و زیبائی خاص خود را دارد و شـاعران و خطیبـان عرب برای تأثیرگذاری بیشتر در ابتدای کلام و یا مطلع قصاید خود از آن بهره گرفتـه‌انـد. صیغه ندا که برای درخواست توجه منادا است، گاه در غیر این درخواسـت بکـار مـی‌رود، مانند جائی که برای برانگیختن، اختصاص، استغاثه، تعجب و یا ابراز غم و اندوه باشد. ایـن اسلوب را می‌توان به ندای عام و خاص تقسیم کرد. امام حسن(ع) در این خطبه با مخاطب قرار دادن جمعیت: «أیّها النّاس» ندای عام بکار برده‌اند که دلالت بر عموم مـردم دارد. ایـن ندا با اسلوب شرط همراه شده است.

در خطبه‌ای دیگر نیز، پس از حمد و ثنای الهی امام(ع) با خطاب عام «أیّها النّاس» کلام خود را شروع کرده و با حرف تأکید إنّ ادامه داده‌اند. پس از عقـد صـلح نامـه، معاویـه از حضرت خواست که در حضور مردم به این سخن اقرار کرده و امر را تسـلیم معاویـه کنـد. امام‌حسن(ع) نیز چنین فرمودند:

أَيُّهَا اَلنَّاسُ إِنَّ أَكْيَسَ اَلْكَـيْسِ اَلتُّقَـى وَ أَحْمَـقَ اَلْحُمْـقِ اَلْفُجُـورُ وَ إِنَّكُـمْ لَـوْ طَلَبْـتُمْ مَـا

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

بَيْنَ جَابَلْقَ وَ جَابَرْسَ رَجُلاً جَدُّهُ رَسُولُ اَللَّهِ صَلَّى اَللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَا وَجَدْتُمُوهُ غَيْرِی وَ غَيْرَ أَخِیَ اَلْحُسَيْنِ وَ قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ اَللَّهَ هَدَاكُمْ بِجَدِّی مُحَمَّدٍ فَأَنْقَذَكُمْ بِهِ مِنَ اَلضَّلاَلَةِ وَ رَفَعَكُمْ بِهِ مِنَ اَلْجَهَالَةِ وَ أَعَزَّكُمْ بِهِ بَعْدَ اَلذِّلَّةِ وَ كَثَّرَكُمْ بِهِ بَعْدَ اَلْقِلَّةِ إِنَّ مُعَاوِيَةَ نَازَعَنِی حَقّاً هُوَ لِی دُونَهُ فَنَظَرْتُ لِصَلاَحِ اَلْأُمَّةِ وَ قَطْعِ اَلْفِتْنَةِ وَ قَدْ كُنْتُمْ بَايَعْتُمُونِی عَلَى أَنْ تسالمون [تُسَالِمُوا] مَنْ سَالَمْتُ وَ تحاربون [تُحَارِبُوا] مَنْ حَارَبْتُ فَرَأَيْتُ أَنْ أُسَالِمَ مُعَاوِيَةَ وَ أَضَعَ اَلْحَرْبَ بَيْنِی وَ بَيْنَهُ وَ قَدْ بَايَعْتُهُ وَ رَأَيْتُ [أَنَّ] حَقْنَ اَلدِّمَاءِ خَيْرٌ مِنْ سَفْكِهَا وَ لَمْ أُرِدْ بِذَلِكَ إِلاَّ صَلاَحَكُمْ وَ بَقَاءَكُمْ وَ إِنْ أَدْرِی لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَكُمْ وَ مَتاعٌ إِلى حِينٍ. (الإربلی، ۱۹۳/۲ـ۱۹۴)

حضرت در این فراز به برتری امام علی(ع) از طریق بیان شخصیت و مکارم اخلاقی او اشاره کرده و سپس به اثبات حق علوی در خلافت که خدا و رسولش بدان تأکید فرموده‌اند، رسیده است. منصب خلافت بعد از نبی(ص) از سوی خدا تعیین شده و به کسی که مبرا از هر گونه پلیدی و گمراهی است عطا می‌گردد. براعت استهلال این خطبه در اشاره عام به اصل مطلب نهفته است.

در این خطبه پس از اسلوب خطاب عام، حرف تأکید با اسم تفضیل به کار رفته است. در کاربرد عبارت ترکیبی حرف تأکید و اسم تفضیل باید به دلالت آن توجه داشت زیرا به این ترتیب شنونده برای فهمیدن خبر مبتدا (أکیس الکیس... و أحمق الحمق...) مشتاق‌تر گردد. در ترکیب حرف تأکید و ضمیر مخاطب یعنی (إنّکم)، شنونده از همان ابتدا با گفتمانی انحصاری مواجه می‌شود. «لو» که حرف امتناع جواب برای امتناع شرط است، اسلوب شرطی غیرمستقیم ایجاد می‌کند. در جمله: «**وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ اَللَّهَ هَدَاكُمْ بِجَدِّی مُحَمَّدٍ فَأَنْقَذَكُمْ بِهِ مِنَ اَلضَّلاَلَةِ**»، قد و حرف تأکید «إنَّ» نشان می‌دهد مراد از اسلوب خبر، آگاه کردن مردم نیست بلکه خبر انکاری است. هنگامی که مخاطب خبر را نمی‌پذیرد و انکار می‌کند خبر را با تأکید بیشتری ذکر می‌کنیم. (السکاکی، ۲۵۸ـ۲۵۹) یعنی مخاطبین منکر قضیه هدایتشان به دست پیامبر(ص) و نجاتشان از گمراهی بودند.

براعت استهلال این خطبه با کنایه‌ای به معاویه و امثال وی که اهل فسق و فسادند

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

شروع می‌شود، و بلافاصله به طور ضمنی و غیرمستقیم به ویژگیهای شایسته‌ترین فرد برای خلافت اشاره می‌گردد که کسی جز حسنین(ع) نیست. جمله «إِنَّ مُعَاوِيَةَ نَازَعَنِي حَقّاً هُوَ لِي دُونَهُ» به بیان حق مسلم امام در خلافت و سازش اجباری آن حضرت تصریح دارد. نکته ظریف این است که امام حسن(ع) در باب معرفی خود به نسبتشان از ناحیه پیامبر(ص) اشاره می‌کنند نه از ناحیه امام علی(ع).

از سوی دیگر کاربرد ثنائیات مانند (أکیس/ أحمق، اَلضَّلاَلَةِ/ الجَهالة، أَعَزَّكُمْ/ اَلذِّلَّةِ، سَالَمْتُ/ حَارَبْتُ، كَثَّرَكُمْ/ اَلقِلَّةِ، حَقْنَ اَلدِّمَاءِ/ سَفْک الدّماء) به برجستگی معنا کمک شایانی کرده است. آرایه سجع در ابتدای کلام در جملات (إِنَّ أَكْيَسَ اَلْكَيْسِ اَلتُّقَى وَ أَحْمَقَ اَلْحُمْقِ اَلْفُجُورُ) و در ادامه در جملات (فَأَنْقَذَكُمْ بِهِ مِنَ اَلضَّلاَلَةِ وَ رَفَعَكُمْ بِهِ مِنَ اَلْجَهَالَةِ/ وَ أَعَزَّكُمْ بِهِ بَعْدَ اَلذِّلَّةِ وَ كَثَّرَكُمْ بِهِ بَعْدَ اَلْقِلَّةِ) ملاحظه می‌شود. پیداست که این صنعت بدیعی با آهنگین ساختن لحن، در جلب توجه مخاطب و تأثیرگذاری نقش وافری دارد.

همچنین در این خطبه، بینامتنیت قرآنی در خاتمه ملاحظه می‌شود که برگرفته از آیه ۱۱۱ سوره انبیاء است: «**وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ**» این حسن ختام، به مردم خاطر نشان می‌کند که جنگ یا صلح، آزمایشی الهی است.

حضرت، با این مقدمه تحمیدیه، به برتری امام علی(ع) از طریق بیان شخصیت و مکارم اخلاقی او اشاره کرده و سپس به اثبات حق علوی در خلافت که خدا و رسولش بدان تأکید کرده‌اند، رسیده است. منصب خلافت بعد از نبی(ص) از سوی خدا تعیین شده و به کسی که مبرا از هر گونه پلیدی و گمراهی است عطا می‌گردد. براعت استهلال این خطبه در اشاره عام به اصل مطلب نهفته است.

٤ـ٤. افتتاح به شرط

برخی از خطب با شرط آغاز شده‌اند. به عنوان نمونه، در روایتی چنین آمده که امیرمؤمنان علی(ع) خطاب به فرزندش ـ امام حسن(ع) ـ فرمود: برخیز و خطبه ای بخوان

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

تا سخنت را بشنوم. امام (ع) بپا خاست و چنین سخن آغاز کرد: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنْ تَکَلَّمَ سَمِعَ کَلَامَهُ، وَ مَنْ سَکَتَ عَلِمَ مَا فِی ضَمِیرِهِ، وَ مَنْ عَاشَ فَعَلَیْهِ رِزْقُهُ، وَ مَنْ مَاتَ فَإِلَیْهِ مَعَادُهُ، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ وَ سَلَّمَ. (الحلوانی، ۷۳)

براعت استهلال این فراز را می‌توان در تکرار حرف شرط «من» دانست.

در آستانه جنگ جمل نیز، امام حسن(ع) در مسجد کوفه، برای آماده کردن مردم، خطبه کاملی را با ذکر ستایش پروردگار، چنین ایراد فرمودند: «الحمد للّه العزیز الجبار الواحد القهار الکبیر المتعال... أحمده علی حسن البلاء وتظاهر النعماء و علی ما أحببنا وکرهنا من شدةٍ ورخاء...» سپس با استفاده از اسلوب شرط خطبه خود را چنین آغاز نمودند:

مَنْ عَرَفَنِی فَقَدْ عَرَفَنِی وَ مَنْ لَمْ یَعْرِفْنِی فَأَنَا الْحَسَنُ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا ابْنُ الْبَشِیرِ النَّذِیرِ أَنَا ابْنُ الْمُصْطَفَی بِالرِّسَالَةِ أَنَا ابْنُ مَنْ صَلَّتْ عَلَیْهِ الْمَلَائِکَةُ أَنَا ابْنُ مَنْ شُرِّفَتْ بِهِ الْأُمَّةُ أَنَا ابْنُ مَنْ کَانَ جَبْرَئِیلُ السَّفِیرَ مِنَ اللَّهِ إِلَیْهِ أَنَا ابْنُ مَنْ بُعِثَ رَحْمَةً لِلْعالَمِین صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ أَجْمَعِینَ.

فَقَالَ أَنَا ابْنُ الْمُسْتَجَابِ الدَّعْوَةِ أَنَا ابْنُ مَنْ کَانَ مِنْ رَبِّهِ کَقَابِ قَوْسَیْنِ أَوْ أَدْنَی أَنَا ابْنُ الشَّفِیعِ الْمُطَاعِ أَنَا ابْنُ مَکَّةَ وَ مِنَی أَنَا ابْنُ مَنْ خَضَعَتْ لَهُ قُرَیْشٌ رَغْماً أَنَا ابْنُ مَنْ سَعِدَ تَابِعُهُ وَ شَقِیَ خَاذِلُهُ أَنَا ابْنُ مَنْ جُعِلَتِ الْأَرْضُ لَهُ طَهُوراً وَ مَسْجِداً أَنَا ابْنُ مَنْ کَانَتْ أَخْبَارُ السَّمَاءِ إِلَیْهِ تَتْرَی أَنَا ابْنُ مَنْ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِیراً. (الطبرسی، ۳۶۸ـ۳۶۹)

ترجمه ـ سخنرانی امام حسن (ع) پس از صلح ـ (آن هنگام که معاویه به ایشان گفت: برتری ما را یاد کن) امام حسن (ع) پس از حمد و سپاس خدا و فرستادن صلوات بر محمد و آل محمد، فرمود: هر که مرا می‌شناسد، می‌شناسد و هر که مرا نمی‌شناسد، بداند من حسن فرزند پیامبر خدا، فرزند پیامبر بشارتگر و هشدار دهنده، فرزند برگزیده به رسالت هستم. منم فرزند آن کس که فرشتگان بر او صلوات می‌فرستند، منم فرزند آن کس که امت در سایه او شرافت یافتند، منم فرزند آن کس که جبرئیل از جانب خدا برای او سفیر بود، منم فرزند آن کس که به رحمت بر جهانیان مبعوث شد کسی که درود خدا بر او و همهٔ آلش باد.

سپس بر سر سخن خود رفت و فرمود: منم فرزند آن کس که دعایش مستجاب می‌شد، منم

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

فرزند آن کس که مقام قرب او به پروردگارش به قدر طول دو انتهای کمان یا نزدیکتر از آن بود، منم فرزند آن شفاعتگری که شفاعتش پذیرفته شده است، منم فرزند مکه و منا، منم فرزند آن کس که قریش مجبور به تسلیم در برابر او شد، منم فرزند آن کس که پیرو او خوشبخت شود و رها کننده اش بدبخت گردد، منم فرزند آن کس که زمین برای او پاک کننده و سجده گاه قرار داده شده، منم فرزند آن کس که اخبار آسمانی پیوسته برایش می‌رسید. منم فرزند آنان که خداوند، پلیدی را از ایشان دور ساخت و خوب پاکیزه و پاکشان نمود.

کاربرد اسلوب شرط در جلب توجه مخاطب بسیار مؤثر است زیرا مخاطب برای رسیدن به نتیجه ملزم به گوش دادن می‌شود. به خصوص در این فراز که جواب شرط به شیوه توضیحی و تفصیلی و با تکرار حرف عطف ذکر شده است: «مَن عرفنی فقد عرفنی و من لم یعرفنی فأنا الحسن بن علی...».

تکرار ضمیر (أنا ابنُ) ۱۶ بار، پس از تکرار کلمه(عَرَفَنِی) ۳ بار، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. عبارت «أنا ابنُ» حکایت از قرابت و الفت میان پدر و پسر دارد. (عسکری: ۲۸۱ـ۲۸۲) امام در این خطبه تنها واژه «ابن» را به کار برده‌اند و در هیچ یک از مترادف ابن یعنی«ولد» استفاده نکرده‌اند. تکرار حاصله، علاوه بر تأکید مضمون به موسیقی متن نیز کمک کرده است. (نکونام، ۸۸)

جملات مطلع، همه اسمیه‌اند، لذا دلالت بر ثبوت دارند و از طرف دیگر جمله اسمیه، نشان دهنده تأکید کلامی گوینده است. امام حسن (ع) استهلال خطبه را به معرفی خود اختصاص داده و در آن نسبت خود با پیامبر(ص) را یادآور می‌شوند. همچنین در این انتساب، چندین بار از بینامتنیت قرآنی استفاده کرده‌اند. جمله: «أَنَا اِبْنُ مَنْ كَانَ مِنْ رَبِّهِ كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنى» بینامتنیت با آیه ۹ سوره نجم دارد: «**فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى**». جمله: «**صَلَّتْ عَلَيْهِ اَلْمَلاَئِكَةُ**» بینامتنیت با آیه ۵۶ سوره احزاب دارد: «**إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا**». جمله: «أَنَا اِبْنُ مَنْ بُعِثَ رَحْمَةً لِلْعالَمِين» بینامتنیت با آیه ۱۰۷سوره انبیاء دارد: «**أَنَا اِبْنُ مَنْ بُعِثَ رَحْمَةً لِلْعالَمِين**».

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

آخرین جمله در این فراز نیز بینامتنیت قرآنی با آیه ۳۳ سوره احزاب دارد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّـهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» امام با این آیه به سخنان خود خاتمه داده‌اند تا به مردم اظهار نمایند که از اهل بیت پیامبر بوده و آنان در حقش اجحاف کرده‌اند.

همانطور که ملاحظه می‌شود در آغاز خطبه اسلوب شرط بکار رفته است. به خصوص در این فراز که جواب شرط به شیوه توضیحی و تفصیلی و با تکرار حرف عطف ذکر شده است: «مَن عرفنی فقد عرفنی و من لم یعرفنی فأنا الحسن بن علی...». البته آرایه تکرار نیز قابل تأمل است. این صنعت ادبی که یکی از پرکاربردترین اسلوبهای بیانی کلام شمرده می‌شود، علاوه بر انتقال مفاهیم و مضامین مورد نظر به مخاطب در ارتقای زیبایی و کیفیت متن نیز نقش برجسته‌ای از خود ایفا می‌کند. البته باید به این نکته توجه داشت که استفادهٔ نابجا از آن مخلّ فصاحت و بلاغت بوده و از سوی برخی ناقدان نکوهیده شده است. این اسلوب که به اشکال مختلفی در متن نمود می‌یابد دلالتهای معنایی متعددی مانند تأکید، بشارت، تهدید، عبرت، تفهیم مطلب و مانند آن ایجاد می‌کند (نک: ملازاده و رحمانیان، ۱۱ـ۱۳).

تکرار واژگان: «اللّه» ۲ بار، «عرفنی» ۳ بار، «ابن» ۶ بار، عبارت «أهل البیت» ۴ بار، ضمیر متکلم «أنا» ۸ بار، اسم استفهام «مَن» ۳ بار، حرف جرّ من ۴ بار. تکرار اللّه دلالت بر محوریت خداوند در ذهن امام دارد. علاوه بر اسلوب تکرار، آرایه‌های دیگر نظیر طباق سلب در «عرفنی/ لم یعرفنی» و جناس محرّف در: «مَن/ مِن»، نیز در ایجاد موسیقی کلام نقش دارند.

از دیگر سو از آنجا که تأثیر آخرین کلام در ذهن مخاطب بیشتر است، حضرت برای حسن ختام خطبه، به آیه ۲۳ سوره شوری اقتباس فرموده تا بدین گونه بر حق خلافت علوی، و ادامه آن در اهل بیت(ع) به وضوح تصریح فرمایند.

۵. نتایج مقاله

۱ـ فصاحت واژگان و بلاغت عبارتها، دقت در بکار بردن هر سبکی در جای خود طبق سیاق و متناسب با شرایط موجود جامعه و حال مخاطب، از مهمترین نکات برجسته

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

خطبه‌های امام حسن(ع) است.

۲ـ هر چند به وضوح پیداست که خطبه با اهداف سیاسی و تحلیل وضعیت نابسامان اجتماعی مردم ایراد شده، ولی مملو از مباحث توحیدی، صفات پروردگار و رضا به قضای او بوده و از طرفی جایگاه امامت و مقام اهل بیت (ع) را محور توحید معرفی فرموده است. گویی از نظر ایشان نه تنها توحید و امامت دو روی یک سکه‌اند بلکه خلافت و حکومت نیز حق انحصاری اهل بیت (ع) است.

۳ـ امام (ع) در خطابه‌های خود از شیوه‌های متنوع کلامی و ادله فراوان عقلی و نقلی با استفاده از قرآن و حدیث برای قانع نمودن مخاطبان بهره برده‌اند.

۴ـ خطب کوتاه نیز برخوردار از محتوای رفیع و مشحون از معارف توحیدی است. هر چند که مؤرخان علت ایجاز را قطع سخنرانی ایشان از طرف دشمنان که بیانگر خفقان سیاسی حاکم است، گزارش نموده‌اند، با این وجود مقصود متکلم که روشنگری بوده به دلیل احاطه کامل به فنون سخنوری، به نحو شایسته برآورده شده است.

۵ـ ساختار گسترده آغازین برخی از خطبه‌ها، ضمن سرشار بودن از معارف توحیدی و امامت به گونه‌ای ایراد شده است که بلافاصله مخاطب به تمام مقصود گوینده پی می‌برد و لذا می‌توان آن را بهترین مصداق براعت استهلال دانست.

۶ـ خطب حضرت علاوه بر آراسته بودن به زیور براعت استهلال، مزین به حسن ختام نیز بوده و این همان انسجام بافت کلام منطبق با عالیترین مهارتهای سخنوری در زبان عرب است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. الإربلی، علی بن عیسی، کشف الغمهٔ فی معرفهٔ الأئمهٔ، بیروت، دار الأضواء، د.ت.

۳. الإصفهانی، أبوالفرج علی بن الحسین، مقاتل الطالبین، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۹۷۱م.

۴. ابن کلبی، هشام، مثالب العرب، تح: نجاح الطائی، بیروت، دار الهدی، ۱۹۹۸م.

۵. بستانی، محمود، اسلام و هنر، ترجمه: حسین صابری، چاپ دوم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ش.

۶. الجرجانی، عبدالقاهر، دلائل الإعجاز، تج: محمود محمد شاکر، د.ت.

۷. جیگاره، مینا، تفاوتهای معنایی در نحو کاربردی، چاپ اول، تهران، انتشارات نظری، ۱۳۹۵ش.

۸. حسینی المیلانی، علی، نفحات الأزهار فی خلاصهٔ عبقات الأنوار، ج ۱۸، قم، الحقایق، ۱۳۸۴ش.

۹. الحلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، الطبعهٔ الأولی، قم، تح. ونشر مدرسهٔ الإمام المهدی(ع)، ۱۴۰۸ق.

۱۰. خوانساری، محمد، منطق صوری، چاپ پانزدهم، بی.جا، انتشارات آگاه، ۱۳۷۲ش.

۱۱. السکاکی، یوسف بن أبی بکر، مفتاح العلوم، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۰م.

۱۲. السامرائی، فاضل صالح. الجملة العربیة تألیفها وأقسامها، الطبعهٔ الثالثهٔ، عمان: دار الفکر، ۲۰۰۹م.

۱۳. سیدرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمددشتی، تهران، پیام عدالت، ۱۳۹۰ش.

۱۴. صفوت، أحمد زکی، جمهرهٔ خطب العرب فی عصور العربیهٔ الظاهرهٔ، الطبعهٔ الأولی، الجزء الثانی، مصر، مطبعهٔ مصطفی بابی الحلبی وأولاده، ۱۹۳۳م.

۱۵. الطبرسی، ابومنصور، الاحتجاج، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۶ق.

۱۶. طبانهٔ، بدوی، معجم البلاغهٔ العربیهٔ، الطبعهٔ الثانیهٔ، المجلد الأول، الریاض، دار العلوم للطباعة و النشر، د.ت.

۱۷. عباس، حسن، خصائص الحروف و معانیها، منشورات اتحاد الکتاب العرب، ۱۹۹۸م.

۱۸. العسکری، ابوهلال، الصناعتین الکتابهٔ والشعر، تح: البجاوی و ابراهیم، الطبعهٔ الثالثهٔ، بیروت، المکتبة العصریة، ۱۴۱۹ق. https://www.noorlib.ir

۱۹. عکاشهٔ، محمود. التحلیل اللغوی فی ضوء علم الدلالهٔ، مصر: دار النشر للجامعات، ۲۰۰۵م.

۲۰. الفاخوری، حنّا، الموجز فی الأدب العربی وتاریخه؛ الأدب العربی القدیم، الطبعهٔ الثانیهٔ، بیروت، دار الجیل، ۱۹۹۱م.

۲۱. الموسوی، مصطفی، الروائع المختارهٔ من خطب الإمام الحسن(ع)، تح: السید مرتضی الرضوی، الطبعهٔ الأولی، ۱۹۷۵م ، http://shiaonlinelibrary.com

۲۲. مفید، محمد بن النعمان، الارشاد فی معرفهٔ حجج الله علی العباد، ترجمه استاد امیرخان بلوکی، نشر تهذیب، ۱۳۹۶ش.

۲۳. میرزا عبدالعظیم خان، البدیع، ۳۲، چاپ ۲، ۱۳۰۸ش، تهران، فردوسی.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

۲۴. نصیر الدین طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، اساس الإقتباس، تصحیح آقای مدرس رضوی، ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۶ش.

۲۵. هاشمی، أحمد، جواهر البلاغة، الطبعة العاشرة، مصر، مکتبة الاعتماد، ۱۳۷۳ش.

۲۶. همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ ۱، تهران، اهورا، ۱۳۸۹ش.

۲۷. نکونام، ملیحه، سبک شناسی سه خطبه از خطبه‌های امام حسن مجتبی(ع)، کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا(س)، ۱۳۹۵ش.

۲۸. الخرافی، عبدالمحسن عبداللّه، لطائف الأدب فی استهلال الخطب، الطبعة الأولی، کویت، مجلة الوعی الإسلامی، ۲۰۱۲م.

۲۹. رحمانیان، فرزانه و ریحانه ملازاده، فنّ براعت استهلال در خطبه‌های نهج البلاغه، مشهد، فصلنامه تخصصی مطالعات ادبی متون اسلامی، ۱۳۹۶ش.

۳۰. ملازاده، ریحانه و فرزانه رحمانیان، هنر سازه تکرار و دلالتهای معنایی آن در حکمتهای نهج البلاغه، مجله پژوهش‌های نهج البلاغه، ش ۵۱، ۱۳۹۵ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.11.0]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]